

میراث ماندگار «علی آقا»

گزارشی از ایده‌ای جهادی برای راهی کردن آرزومندان کم‌بضاعت به کربلا

گفت‌وگو



فرزانه شهامت روزنامه‌نگار

داغ نبودن بعضی آدم‌ها داغ می‌ماند، اصلا انگار به جز نبودنشان طور دیگری نمی‌شد باور کرد که کار با اخلاص و بی‌نمایش، هم دیده می‌شود و هم جواب می‌دهد. شاید برای همین است که گذر روزها چیزی از بهت و تلخی رفتنشان کم نمی‌کند. از یک هفته‌مانده به نوروز ۱۴۰۱ وقتی خبر تصادف و فوت یکی از خادمان عرصه کتاب با پیام‌های تسلیت مسئولان آمیخته و منتشر می‌شد، تا همین حالا که جای خالی‌اش پنج ماهگی را پر کرده است، دوستان پرتعداد مجازی و حقیقی «علی صفوی شاملو» به هر بهانه‌ای یاد مؤسس مجموعه کتاب‌رسان و نگاه بلندش به حوزه فرهنگ را مرور کردند.
با این حال، دلیل مابرای سراغ گرفتن از او نه موضوع کتاب، بلکه سوی دیگری از دغدغه‌هایش برای رساندن عاشقان امام حسین(ع) به کربلاست. طرح اجراشده این طلبه، کمک‌به‌افراد عمدتا کم‌برخوردار بود که حتی در فقدانش، همچنان پویا به فعالیت خود ادامه می‌دهد.
لعیا پاراحمدی، همسر مرحوم صفوی شاملو و از دست‌اندر کاران کنونی «صندوق اربعین علی آقا»، جزئیات این ایده قابل‌تکثیر را با مادر میان می‌گذارد.

● ایده صندوق اربعین علی آقا کی و چطور شکل گرفت؟
پنج سال پیش بود حدودا. علی آقا خیلی دغدغه زیارت امام حسین^(ع) داشت. نظرش این بود که کربلا رفتن به‌جز ثواب زیارت، اثر تربیتی هم دارد. یعنی کسی که به این سرزمین و حرم آقا قدم می‌گذارد، اتفاقاتی برایش می‌افتد که همه عمر دستش را می‌گیرد. میان همه کربلا رفتن‌ها، سفر اربعین خاص‌تر است. وقتی یک موضوع در ذهن کسی این‌قدر اهمیت داشته باشد، طبیعی است که ماجرا را منحصر به خودش و خانواده‌اش نکند و تلاش کند آدم‌های بیشتری لذت آن را ببرند.

● چرا خاص‌تر؟

پیاده‌روی اربعین به‌نوعی مانور جهان اسلام است و کسانی که در این گردهمایی میلیونی حاضر می‌شوند، پیاده‌نظام جبهه حق محسوب می‌شوند. از طرف دیگر، سفر اربعین به‌ویژه تا همین چند سال پیش هزینه خاصی نداشت. یعنی اگر خودت را می‌توانستی به مرز برسانی و همین‌طور مسیر برگشت از مرز تا شهر خودت، کار تمام بود و در عراق، هزینه‌جدی متوجهت نبود. این فرصت بسیار غنیمتی بود برای کربلایی کردن عده زیادی که به‌جز

این فرصت، سفر کربلا حتی در مخیله‌شان هم نمی‌گنجید یا اگر به هر سختی رفته‌اند، تجربه دوباره‌اش برایشان دشوار است.

● همین‌جا داخل پراتنز بگوئید کسی که تا این‌جا دغدغه سفر اربعین را داشت، خودش چندبار چنین سفری را تجربه کرده بود؟

● پنج سفر به‌گمانم.

کسی مثل آقا‌ی شاملو که از یک‌طرف درگیر کارهای فرهنگی و عمدتا کتاب‌بود و از طرف دیگر، بافت زندگی شخصی و محیط اطرافش حاشیه‌شهری نبود، این‌دست افراد نیازمند را چطور دید و شناخت؟

هر آدمی که دغدغه اجتماعی داشته باشد، همیشه گوشه‌ای از ذهنش انسان‌های کم‌برخوردار هستند. ضمن اینکه وقتی کسی لباس روحانیت می‌پوشد، محل مراجعات طیف‌های مختلف مردم می‌شود، از جمله کسانی که دغدغه مالی دارند. علی آقا با خبریه‌های مختلف و فعالان حاشیه‌شهر همکاری تنگاتنگ داشت.

● موجودی صندوق اربعین چطور جمع‌شد؟

شروع کار با مقادیر کم بود. در قدم‌های اول، بیشتر اندوخته صندوق از اطرافیانی بود که توانایی مالی داشتند. علی آقا رو می‌زد، به آن‌ها می‌گفت از شما قرض می‌گیرم و قرض می‌دهم به افراد کم‌بضاعتی که می‌خواهند به کربلا بروند و چند ماه زمان نیاز دارند برای برگشت پول. به کسانی که می‌خواستند به

● این تلاش‌ها و تکاپوها، ریسک کردن‌ها و تقبل زحمات برای راهی کردن عده‌ای به زیارت امام حسین(ع) پشتوانه دینی دارد؟
بله. پشتوانه تئوری صندوق اربعین، کلام معصومان^(ع) است. درباره فضیلت‌های عجیب زیارت امام حسین^(ع) آمده است حتی با وجود مشکلات احتمالی سفر و بر اساس روایات، برگشت پولی که برای این‌راه‌قرض داده می‌شود، تضمین شده است. برای همین نگران این بخش قضیه نبودیم.

● بعد از فوت آقای شاملو، کار صندوق اربعین چطور پیش می‌رود؟

من و دو نفر از مدیران مجموعه کتاب‌رسان پای کار آمده‌ایم تا این صندوق را کد نماندوبیا نبیتی که شکل گرفته بود، کارش را ادامه بدهد.

● آمار دارید از کسانی که تا به حال با این صندوق به



زیارت مشرف شده‌اند؟
تا جایی که من اطلاع دارم، به‌جز سال‌هایی که کرونا شدید بود، هر سال بیش از صد نفر رفته‌اند.

● متقاضی‌های استفاده از این صندوق چه شرایطی باید داشته باشند؟

اولویت با کسانی است که بدون وام صندوق نمی‌توانند به زیارت بروند و کسانی که زیارت اولی هستند. در مرحله بعد این وام به کسانی که سفر اولی نیستند هم تعلق می‌گیرد. البته یک اولویت دیگر هم داشتیم که هنوز هست. هر سال چند نفر با شرایط خاص راهی زیارت اربعین می‌شدند.

● درباره این اولویت خاص، بیشتر توضیح می‌دهید؟
لابد دیده‌اید افرادی را که مشکل مالی آنچنانی ندارند، اما در زندگی‌شان رفتن به زیارت اربعین جایی ندارد. اصطلاح عامیانه‌اش می‌شود اینکه طرف در این فازها نیست. علی آقا به‌واسطه

ارتباط‌های کاری‌اش از این‌طور دوست‌ها داشت. می‌دید طرف آدم خوبی است و دارد زندگی‌اش را می‌کند. وقتی به او می‌گویی اربعین، به ذهنش نمی‌رسد که می‌تواند مسافر پیاده این مسیر باشد. حالا یا اعتقادش را ندارد یا اولویتش نبوده است. این افراد اولویت‌های ویژه‌ای بودند که هر سال علی آقا تعدادی را با کمک صندوق اربعین به کربلا می‌فرستاد.

البته به‌شکل قرض الحسنه. حتی شده بود برایشان بلیت بگیرد، یک‌طورهایی به‌اصرار، آن‌ها را راهی کند و دستشان را بگذارد در دست امام حسین^(ع).

● از احوال و تغییرات احتمالی این افراد پس از زیارت اطلاعی دارید؟

به خود علی آقا که خیلی بازخورد مثبت می‌دادند. می‌آمد برایم تعریف می‌کرد و می‌گفت: فلائی که با آن شرایط فرستادیمش به اربعین، خیلی راضی است. گمانم هیچ موردی نبود که برگردد و بگوید حالا رفتم که چی؟ یا مثلا انتقاد کند که این چه سفری بود، چقدر بد گذشت و از این صحبت‌ها. یک نمونه‌اش بنده خدایی بود که تقیده‌های دینی خیلی ضعیفی داشت. علی آقا او را راهی زیارت اربعین کرد. لذت آن سفر و آن زیارت‌طوری^(ع) دلش نشسته است که می‌گوید امام حسین^(ع)

چیز دیگری است.

● چرا به این‌ها می‌گوئید مسافران ویژه اربعین؟
کسی که می‌خواهد به زیارت برود و امکانش را ندارد، دستش درست امام حسین^(ع) است به‌هر حال. خیلی خوب است که زمینه نفرش فراهم شود، اما به‌نظم آشناکردن و آشتی‌دادن یک نفر با امام حسین^(ع) و چشاندن گرمای محبت حضرت به این دست افراد، اهمیت دوچندانی دارد.

● آن‌هایی که می‌خواهند در افزایش موجودی صندوق اربعین علی آقا مشارکت کنند یا قصد استفاده از تسهیلات صندوق را دارند، چه کار کنند؟

به صفحه اینستاگرام علی آقا به‌نشانی Shamlu_ir پیام بدهند. کلیت قضیه این است که اسمال مبلغ وام ۲میلیون تومان است. مبلغ وام حداقل هزینه‌ای است که می‌شود با آن به زیارت اربعین رفت. برای بازپرداخت، نهایت شش ماه را در نظر گرفتیم. برای کسانی که شرایطشان خیلی خاص باشد، می‌شود مهلت بیشتری هم در نظر گرفت. چون بنای این صندوق، سفر اربعین است و مهم این است پیش از ایام منتهی به اربعین سال آینده، این پول به

صندوق برگردد.

● افراد نیازمند چطور شناسایی می‌شدند؟

برخی از طریق خبریه‌ها و فعالان حاشیه‌شهر که کاملا مورد اعتماد هستند و برخی دیگر را هم علی آقا خودش شناسایی می‌کرد.
● افتتان برای ادامه کار این صندوق چیست؟
آرمان علی آقا این بود که شبکه‌ای کار کنیم.



عکس: جوانکدانی‌ها شهرآر

یعنی سعی کنیم به‌جای وام‌دادن به‌صورت فردی، وام را در اختیار خیریه‌های معتمد قرار بدهیم که افراد حقوقی محسوب می‌شوند. مهلت بدهیم و بگوییم مثلا تا هشت ماه پس از اربعین، از شما چکی به مبلغ کل وام می‌خواهیم. چه وام‌ها فردی پرداخت شود چه به‌صورت شبکه‌ای، صندوق اربعین با این شیوه، امکان الگوشدن و انتشار دارد، به‌صورت محلی البته. موافق پیشنهادهایی مثل ایجاد یک صندوق اربعین واحد در کشور نیستیم. از لحاظ تربیتی و اجرایی خیلی بهتر است که در یک محله یا شهر کوچک، معتمدان صندوق اربعین راه‌اندازی کنند.

● نمونه‌ای از تکثیر این شیوه را سراغ دارید؟
خاطرهم هست یک نفر پیام داد و گفت در شهرمان این کار را کرده‌ایم. حتما هستند جاهای

دیگری هم که مشابه این حرکت را انجام داده باشند، حالا نه حتما با الگوبرداری از صندوق اربعین علی آقا.

● در طول سال و به‌ویژه ماه‌های منتهی به اربعین که موجودی صندوق رو به افزایش است، استفاده‌های دیگری هم از آن می‌شود؟
بله. سال‌هایی که کرونا شدید بود هم شرایط مشابه سؤال شما را داشتیم. سعی می‌کنیم موجودی صندوق در بازه‌هایی که اشاره کردید، را کد نماند و صرف امور خیرخواهانه فرهنگی و غیرفرهنگی شود. با این پیش شرط که پولش تا پیش از اربعین به صندوق برگردد.
● نکته‌ای‌جا مانده‌است؟

خیلی کمبودها در جامعه هست. می‌شود همه‌اش نشست و انتقاد کرد و رسانه را آینه‌کرد برای انعکاس نداشته‌ها و مایوس کردن دیگران. گزینه دیگری هم هست. می‌شود منصف بود، نقاط روشن را دید و امید تزریق کرد برای خوب کردن حال مردم. اگر چشممان به اتفاق بزرگی به‌نام ظهور باشد، گزینه دوم را انتخاب می‌کنیم و هر کاری بتوانیم انجام می‌دهیم برای داشتن سهمی هرچند کوچک در این رویداد بزرگ، شاید کاری از جنس صندوق اربعین.



گفت‌وگو

روایتی از تکاپوی یاوران اربعین برای تسهیل زیارت فقر

زیارت اربعین باطمین عسل



شهامت| چند سالی می‌شود که ۳۶۵روز سال را درگیر این ماجرا هستیم. کارمان این است که پول اربعین طی سال رشد کند. الان وقتش رسیده است که نقد بشود و زائر بفروستیم کربلا. قربان دستتان کمک کنید کار زودتر پیش برود. وقت کم است و کارها زیاد. راستی اگر زائر فقیری می‌شناسید بگویید ثبت‌نام کند. شاید قسمتش بشود. ادبیات پوستری که‌با عنوان عسل اربعین در فضای مجازی منتشر شده، خودمانی است. در ادامه، قیمت انواع عسل و چند شماره تماس آمده و تأکید شده است که پای سود شخصی در میان نیست و تمام هزینه‌های پرداختی، صرف فرستادن زائران کم‌بضاعت به زیارت اربعین می‌شود. عبارت «یادگار مرحوم علی صفوی شاملو، را که در گوشه تصویر می‌بینیم کنجکوی مان بیشتر می‌شود تا بدانی‌م ارتباط این ایده باعلی آقا و احتمالا صندوق اربعین او چیست؟

با پرس‌و‌جو از خانواده مرحوم شاملو به‌فاطمه‌سادات نمازی می‌رسیم. ۳۲ساله است و هر چه‌فکر می‌کنیم عنوانی مناسب‌تر ازفعال اجتماعی برای او پیدا نمی‌کنیم، از آن‌هایی است که به‌قول خودش‌ان به‌هیچ‌جا وصل نیستند.

● شروعی با کتاب

فاطمه‌سادات درست به‌یاد نمی‌آورد که چند سال پیش و در جریان کدام برنامه فرهنگی با مرحوم شاملو آشنا شده است چیزی که در ذهن او زنده و تازه مانده، تأکیدهای علی آقا است. وقتی یکی دو ماه مانده به اربعین سیدالشهدا^(ع) از هر فرصتی برای ترغیب دیگران به این سفر استفاده می‌کرد، «در جمع فعالان فرهنگی، از آقای شاملو برای معرفی کتاب دعوت کرده بودیم. یاد می‌آید خیلی تأکید و ترغیب کرد به حضور همگانی در پیاده‌روی اربعین. هر سال نزدیک اربعین که می‌شد، تماس می‌گرفت و می‌گفت: اگر کسی راهی شناسید که فقیر است و زیارت اولی، معرفی کنید. مبالغی را بلاعوض و مقداری را هم به‌عنوان قرض الحسنه می‌داد تا صرف زیارت این افراد بشود.

استمرار این ارتباط در طول چند سال، از فاطمه‌سادات یک فعال اربعین ساخت و او را به‌محل مراجعه کسانی تبدیل کرد که هر چند آه در ساط نداشتند اما برای چشم دوختن به‌گنبد طلایی و پرچم سرخ حرم اباعبدا...^(ع) دلشان پرمی‌زد. او بر ایمان از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و بی‌مزدومنتش می‌گوید، از اینکه به‌هر دری می‌زد تا پول جمع کند و آرزومندگاری بیشتری را به زیارت اربعین بفرستد. «سال ۹۸ از آقای شاملو خواستم اجازه بدهند وام‌های اربعین که زوار برمی‌گردانند، دستم باشد و بدون سود شخصی با آن‌ها کار کنم. هدفم این بود که این پول را کد نماند و موجودی صندوق اربعین بیشتر شود. محصولات خانگی خانم‌ها را می‌خریدم و به‌کسان دیگری می‌فروختم. کار، خوب پیش رفت. آن مبالغ خرد، رقم شایان توجهی شدوبرای هدفی که داشتیم به صندوق اربعین برگشت.

● افزایش یاوران اربعین

آن‌طور که فاطمه‌سادات می‌گوید این ایده ادامه پیدا می‌کند و پخته‌تر می‌شود، به این شکل که روی فروش عسل از تولیدکننده‌های مطمئن تمرکز می‌شود. دیگری که به این‌ها حرکت اعتقاد داشتند نیز همراه می‌شوند و یاور اربعین نام می‌گیرند. گوشه‌ای از اثرمه تلاش‌های فاطمه‌سادات و دوستانش شده است اندوخته‌ای که به‌نیت زیارت کربلا جمع شده و رشد کرده است، همین‌طور تحقق رؤیای زائران کم‌بضاعتی که امیدشان برای ساعتی بی‌توته در بین الحرمین، خدا بود و بس.

سازوکار فعالیت‌های فاطمه‌سادات و دیگر یاوران اربعین باعث شده است شناسایی‌هایشان دقیق باشد و روی کسانی انگشت بگذارند که به‌معنی واقعی، مشمول شرایط استفاده از وام اربعین هستند. می‌ماند آرزومندهای کم‌برخورداری که غریبه‌اند و به‌قاعده، دریافت ضمانت از آن‌ها قدری سخت‌گیرانه‌تر است. از نتیجه کار راضی است و می‌گوید که بابت تأخیرهای احتمالی در پرداخت اقساط وام اربعین، ضرر خاصی متوجه فعالیت‌هایشان نشده است. چیز عجیبی هم نیست. کار برای امام حسین^(ع) خیر است و برکت.

● بزرگ‌ترین رویداد سال

او باتمام مشغله‌های مادری و دغدغه پاسخگویی به سؤال‌های ناتمام متقاضیان سفر اربعین، حال خوش این روزهایش را ساده و دلچسب توصیف می‌کند: بهترین روزهای عمرم را سپری می‌کنم، چون در انتظار بزرگ‌ترین رویداد سال هستم. می‌یزم، می‌شویم، می‌رویم و شرایط کاروان اربعین را توضیح می‌دهم. بچه‌هایم باهم دعوا می‌کنند، از هم جدایشان می‌کنم تا به‌هم آسیب نزده‌اند و شرایط کاروان اربعین را توضیح می‌دهم. روزه می‌روم، مسجد می‌روم، توی خیابان و هر جای دیگر، با هم شرایط کاروان را توضیح می‌دهم. گاهی یکی زنگ خانه رami زند، یکی به تلفن ثابت و آن یکی به تلفن همراه. می‌مانم در آن واحد برای کد امشان شرایط کاروان را توضیح بدهم. این روزها تاگوشتی خانه را برمی‌دارم برای یک کار ضروری، چند تماس بی‌پاسخ روی تلفن همراه می‌افتد. همگی یک چیز می‌خواهند، اینکه شرایط کاروان اربعین را توضیح بدهم. راستش را بخواهید از هر ۲۰۰باری که توضیح می‌دهم یک نفر ثبت‌نام می‌کند. همه کاروان‌ها همین هستند، چون مردم دوست دارند در این باره باهم صحبت کنند.

از این توضیحات خسته نمی‌شوید؟ فاطمه‌سادات پاسخ می‌دهد: «حقیقتا نه، و ادامه می‌دهد: داریم باحسین حسین پیر می‌شویم/

خوشحال از این جوانی از دست داده‌ایم.



شهرآر

۲شنبه
۱۶ شهریور ۱۴۰۱
۱۳ شهریور ۱۳۷۷
شماره

۱۳
SHAHRAHNEWS.IR



دسته